

دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

روندها و تحولات، فرصت‌ها و چالش‌های

پس از توافق هسته‌ای

مرتضی احمدی

مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تهران - ۱۳۹۷

فهرست نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: دامن پاک جامی، مرتضی، ۱۳۳۲-
عنوان و نام پدیدآور: دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: روندها و تحولات، فرصت‌ها و چالش‌های پس از توافق هسته‌ای؛ مرتضی دامن پاک جامی؛
[برای] مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی [وزارت امور خارجه].
مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۸۹۴ ص
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۱-۸۷۶-۶
بها: ۹۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: کتابخانه
موضوع: ایران - محیط اقتصادی
موضوع: سیاست اقتصادی - جنبه‌های سیاسی
موضوع: ایران - روابط خارجی
شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات
رده‌بندی کنگره: D5۰۷۰۵۰/د ۹ ۱۳۹۷
رده‌بندی دیویی: ۳۳۷/۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۳۳۶۷۴

دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

روندها و تحولات، فرصت‌ها و چالش‌های پس از توافق هسته‌ای

تألیف: مرتضی دامن پاک جامی
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
چاپ اول: ۱۳۹۷
همراهی امور نشر: بیتا طهرانیان
ویراستار ادبی: عصمت دری‌کوند
صفحه آرای: سحر حسینی صنعتی

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
تلفن: ۲۲۸۲۹۷۰۳۹، نمابر: ۲۲۸۲۲۵۶۵
فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی
تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲
فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، ساختمان ناشران، طبقه همکف پلاک ۱۶/۲۲
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۴۹۰۳۱۵، تلفن فاکس: ۰۲۱-۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۳۰۴۳۷۱

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار.....
۵	مقدمه.....

بخش اول - بنیان‌های نظری و مفاهیم اساسی در دیپلماسی اقتصادی

۱۵	فصل اول: دیپلماسی اقتصادی و نظریه‌های اقتصاد سیاسی بین‌الملل.....
۱۲۷	فصل دوم: مفاهیم اساسی و تحول در کارکردهای دیپلماسی اقتصادی.....

بخش دوم - علل و عوامل - تأثیرگذار بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

۱۹۳	فصل سوم: تأثیر علل و عوامل داخلی بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران.....
۳۰۷	فصل چهارم: تأثیر علل و عوامل محیط خارجی بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران.....

بخش سوم - تحولات و دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

۴۱۵	فصل پنجم: پیشینه و تحول دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تا دولت دهم.....
۵۳۳	فصل ششم: دیپلماسی اقتصادی دولت روحانی در پرتو توافق هسته‌ای.....
۷۱۱	فصل هفتم: چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: طرحی برای یک برنامه ملی.....

۷۹۷	نتیجه‌گیری.....
۸۱۵	پیوست‌ها.....
۸۴۹	فهرست منابع.....

پیشگفتار

دیپلماسی اقتصادی موضوعی است که نزدیک به ۳۰ سال ذهن مرا در حوزه نظری و عملی به خود مشغول کرده است. هنگامی که در تابستان سال ۱۳۶۷ به عنوان دانشجوی سال آخر دانشکده روابط بین الملل در مسئولیت منشی کمیته بازسازی ستاد سیاسی جنگ تحمیلی (موسوم به ستاد ۵۹۸)^۱ وظیفه دعوت اعضا به جلسات کمیته و تنظیم صورت جلسات آن را برعهده داشتم، با مفاهیم توسعه اقتصادی و بازسازی خرابی های جنگ و نقش سازمان و نهادهای بین المللی در بازسازی کشورهای رهایی یافته از جنگ بیشتر آشنا شدم. در پایان از سال که به عنوان دانشجوی کارآموز به اتفاق جمعی دیگر از دوستان همکلاسی، هیئت شرکت کننده از ایران در چهل و سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد را همراهی می کردیم مسئله بازسازی و چگونگی مشارکت نهادهای بین المللی، فراتر از دغدغه ذهنی، به مبحث پایان نامه دوره کارشناسی ام تبدیل شد؛ لذا در کنار شرکت در جلسات کمیته دوم مجمع عمومی^۲ برای کارورزی، اوقات فراغت خود را به جست و جوی منابع مرتبط با این موضوع در کتابخانه داگ، هامر شولد^۳ سپری می کردم.

۱. با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران در تیرماه ۱۳۶۷، ستاد سیاسی جنگ تحمیلی، منظم برای مفاد قطعنامه از سوی ایران به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل و دبیرخانه آن در وزارت امور خارجه مستقر شد. در آن زمان به همراه تعداد دیگری از دوستان با فراخوان امام خمینی (ره) و به دنبال حمله سراسری رژیم بعث و تهاجمات عسکری به مناطق غرب کشور در روزهای پایانی جنگ، از طریق ستاد پشتیبانی جنگ دانشگاه ها عازم مناطق عملیاتی بودیم. من به توصیه رئیس وقت دانشکده برای کمک به تشکیل دبیرخانه ستاد سیاسی جنگ تحمیلی به وزارت امور خارجه معرفی شدیم.

۲. مجمع عمومی سازمان علاوه بر جلسات عمومی (Plenary) دارای چندین کمیته موضوعی است که مباحث تخصصی را دنبال کرده و پیش نویس قطعنامه های پیشنهادی را برای تصویب در صحن عمومی مجمع آماده می کنند. کمیته دوم به بررسی موضوعات اقتصادی اختصاص دارد.

۳. دومین دبیرکل سازمان ملل، دیپلمات سوئدی و برنده جایزه صلح نوبل که در سانحه هوایی سپتامبر سال ۱۹۶۱ در آسمان زیمبابوه کشته شد.

ماحصل این کاوش علمی، یک کارتن حاوی اسناد دست اول سازمان ملل درباره مسئله بازسازی بود که در ماه‌های بعد در کار نگارش پایان‌نامه کمک زیادی به من کرد.

با پیوستن به دستگاه دیپلماسی در سال ۱۳۶۸، رویکرد فکری مبتنی بر بین‌المللی‌گرایی در حوزه اقتصادی به چراغ راهنمای من در حوزه کارکردی و علمی در حدود سه دهه پس از آن تبدیل شد. این موضوع ابتدا با حضور در اداره کل سازمان‌های تخصصی بین‌المللی و سپس امور چهارساله در دفتر نمایندگی ایران نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین تبلور یافت. در اداره با مسئولیت‌هایی که در دفتر امور اکو و اداره کل همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی و در جایگاه نماینده دائم ایران نزد سازمان‌های همکاری اقتصادی (اکو) داشتم، این روند تداوم یافت. حاصل این مسئولیت‌های سیاسی دوجانبه در ایتوپی و دانمارک در ابتدا و انتهای دهه ۱۳۸۰ اعزام شدم، پرداختن به همکاری‌های اقتصادی مهم‌ترین اولویت کاری‌ام را تشکیل می‌داد. تقریباً در همین دوره زمانی بود که موضوع دیپلماسی اقتصادی به تدریج در ادبیات سیاسی داخلی و برنامه‌های دستور کار سیاست خارجی ایران جایگاه خود را باز کرده و به این موضوع به تشکیل معاونت اقتصادی در وزارت امور خارجه در اوایل روی کار آمدن دولت اصلاحات منجر شد. در تمام این مدت و زمانی که در ستاد وزارت امور خارجه حضور داشتم، همواره عضوی از خانواده پرتلاش معاونت اقتصادی بودم. در سال‌های ۸۷-۱۳۸۵ که از دست حضور مجدد در دانشگاه برای ادامه تحصیل فراهم شد، دغدغه‌های علمی گذشته و تجربه کاری مجدداً مسیر فکری‌ام را به سوی موضوع دیپلماسی اقتصادی سوق داد. ماحصل این ممارست فکری و دانشگاهی، نگارش چندین مقاله و یادداشت علمی در حوزه مسائل اقتصادی چندجانبه و بین‌المللی و در نهایت تدوین رساله کارشناسی ارشد با موضوع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی بود که بعداً به صورت کتابی از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی انتشار یافت.

با پیوستن به مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه (اکنون مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی) در اواخر سال ۱۳۹۱، فرصت پیوند بین نظریه و عمل مجدداً برآیم فراهم شد. از سویی، محیط پویای مطالعاتی و پژوهشی این مرکز فرصت پرداختن بیشتر به موضوعات محتوایی و فکری را برآیم فراهم کرد. از سوی دیگر، حضور چندساله در محیط علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی به من این امکان را داد تا یافته‌های تجربی سی‌ساله خود را با استمرار دانش‌اندوزی در عرصه‌های نظری پیوند بزنم. طرفه اینکه دیپلماسی اقتصادی از همان ابتدا محور اصلی مطالعات و پژوهش‌های علمی امر را در بر دو محیط تشکیل می‌داد. در همین رابطه، موضوع پژوهش حاضر نیز در زمینه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. در این پژوهش به دنبال آن بودم که ارزیابی واقع‌گرایانه‌ای علمی از اهمیت و جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در دوره پس از جنگ تحمیلی با تأکید بر دولت دکتر حسن روحانی داشته باشم. به‌دلیل نوع رویکرد دولت یازدهم در زمینه دیپلماسی اقتصادی و تحولات مثبتی که در فضای معاهدات بین‌المللی ایران در پرتو توافق هسته‌ای انجام شد، این دوره مقطع مهمی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل، بخش‌های قابل توجهی از کتاب بر دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی در دوره پس از توافق هسته‌ای تمرکز دارد. در سرجای، آنچه در کتاب حاضر از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد، ماحصل تلاش علمی چندساله‌ای است که بخش‌هایی از آن در قالب چندین مقاله علمی در نشریات مرکز مطالعات منتشر شده یا در نشست‌ها و سمینارهای علمی ارائه شده است.

در انتخاب موضوع و انجام این پژوهش از راهنمایی‌ها و مشاورت‌های ارزنده و راهگشای جناب آقای دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و جناب آقایان دکتر غلامعلی چگنی‌زاده و دکتر هادی آجیلی استادان محترم دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی بهره‌مند شده و از این بابت صمیمانه از ایشان قدردانی می‌نمایم. همچنین،

جناب آقایان دکتر سید محمد کاظم سجادیپور و دکتر محمد حسن شیخ الاسلامی اعضای هیئت علمی دانشکده روابط بین الملل و دکتر اصغر کیوان حسینی و دکتر سید حسن میرفرخایی اعضای هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه، نکات و توصیه‌های ارزشمندی را در جهت تکمیل و ارتقای مباحث کتاب گوشزد کردند و از آن‌ها نیز کمال تشکر را دارم. به علاوه، لازم می‌دانم از کمک و مساعدت کارمندان کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، به ویژه سرکار خانم محمدی کتابدار ارشد که با خوش رویی و ثبات سنج مورد نیاز را در اختیار اینجانب قرار دادند و از سرکار خانم سیما سعیدی که زحمات تایپ، حروفچینی متن کتاب را تقبل کردند و سایر دوستان و همکارانی که مشورت‌ها و نظرات آن‌ها به انجام بهتر تحقیق کمک کرده است، تشکر نمایم. از شورای محترم نشر مرکز مطالعات و اداره چاپ و انتشارات این مرکز نیز به خاطر حمایت از انتشار کتاب کمال تشکر را دارم.

در پایان، لازم می‌دانم از همسر گرامی و فرزندانم که در ایام نگارش این کتاب از بسیاری خواسته‌ها صرف نظر کرده و با صبر و ثبات وصف ناپذیری محیط خانه را برای انجام این کار سنگین فکری و علمی گرم و پر مهر نگاه داشتند، صمیمانه تشکر کنم.

مرتضی دامن‌پاک، حلی

زمستان ۱۳۹۷

دیپلماسی اقتصادی، به مفهوم اولویت یافتن اهداف و موضوعات اقتصادی در سیاست خارجی، یکی از ابزارهای مهم در پیشبرد اهداف بلندمدت رشد و توسعه اقتصادی کشورها به حساب می‌آید. به عنوان نقطه تلاقی دیپلماسی و فعالیت‌های اقتصاد ملی و بین‌المللی و فصل مشترک بین منافع اقتصادی و سایر منافع سیاسی امنیتی و فرهنگی کشورها در سطح نظام اقتصاد سیاسی جهان تغییر می‌شود (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۴۵۶). این موضوع، به‌ویژه در فرایند جهانی شدن اقتصاد امیر، مضاعف یافته است. اهمیت دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی کشورها از آن‌رو است که در دنیایی که با رشد چشمگیر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و گسترش دامنه نفوذ نظام بین‌تجارت جهانی مواجه است و کشورها براساس میزان توانایی ملی، سهمی از اقتصاد و تجارت جهان را برای خود تعریف می‌کنند، تنها یک سیاست خارجی فعال، پویا و توسعه‌گرا می‌تواند منافع ملی کشورها را تأمین کند. بررسی‌ها و شواهد موجود نشان می‌دهد که امروزه بسیاری از کشورها با استفاده از ابزارهای نوین دیپلماسی در عرصه اقتصاد جهانی، دیپلماسی اقتصادی سنتی را در پیش گرفته‌اند که این امر علاوه بر تضمین منافع اقتصادی، به تحکیم روابط سیاسی و در نهایت امنیت ملی آن‌ها نیز می‌انجامد. در این شرایط، بیش از هر زمان دیگری، رابطه سیاست خارجی و توسعه اقتصاد ملی از اهمیت فراوانی برخوردار شده است. درواقع، کشورهایی که سیاست خارجی خود را به مثابه ابزاری در خدمت تحقق اهداف توسعه اقتصادی قرار داده‌اند سیاست خارجی به توسعه‌گرا و تعاملی‌ای دارند. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌منظور تحقق اهداف توسعه اقتصادی خود نیازمند بهره‌گیری بیشتر از امکانات و ظرفیت‌های داخلی در عرصه تعاملات اقتصادی جهان با استفاده از ابزارهای سیاست خارجی است.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری مسلمان و در حال توسعه در کانون غرب آسیا از موقعیت برجسته جغرافیایی، منابع سرشار طبیعی (به ویژه نفت و گاز) و نیروی انسانی جوان و تحصیل کرده برای تبدیل شدن به قدرت ذی نفوذی در منطقه و تأثیر گذار در جهان برخوردار است. موقعیت خاص ژئوپلیتیکی، ایران را به صورت چهارراه مواصلاتی شرق و غرب و شمال به جنوب در آورده است. هزاران کیلومتر مرز مشترک زمینی و آبی که امکان همسایگی با ۱۵ کشور را در چهار جهت جغرافیایی فراهم کرده و برخورداری از ذخایر و منابع طبیعی فراوان حداثی، همواره فرصت طلایی ای را برای رسیدن به توسعه و رفاه ملی پیش روی ملت ایران قرار داده است. ایران با اتکا به این ویژگی های ممتاز، در دو تاسه دهه گذشته با افزایش اقتدار ملی و تحکیم قدرت منطقه ای خود تلاش کرده و مترصد آن بوده است که به محور ترانزیت کالا، خدمات و مسافر در منطقه تبدیل شود تا از این طریق جایگاه و سهم استراتژی را از اقتصاد و تجارت جهانی نصیب خود کرده و از وابستگی مزمن به درآمدهای نفتی رهایی یابد؛ به همین دلیل، موضوع دیپلماسی اقتصادی و استفاده از ابزارها و ظرفیت های سیاست خارجی برای پیشبرد اهداف توسعه ملی در دولت های مختلف پس از جنگ تحمیلی مورد توجه قرار گرفت و در برنامه های توسعه کشور و اسناد کلان راهبردی نیز انعکاس یافت.

در همین حال، جمهوری اسلامی ایران در ادامه برنامه های توسعه پس از جنگ، سند راهبردی «چشم انداز بیست ساله کشور» را برای اجرا در قالب چهار برنامه پنج ساله توسعه تدوین و از سال ۱۳۸۳ به اجرا گذاشته است. در نتیجه اجرای این سند، ایران می بایست «در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی کشوری باشد توسعه یافته با جایگاه برتر اقتصادی، علمی و فنی در سطح منطقه، با محوریت اسلامی و انقلابی، تأثیر گذار در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل».^۱ از سوی دیگر، سیاست های کلان راهبردی اقتصاد مقاومتی^۲ نیز

۱. نک: به: سند چشم انداز بیست ساله، قابل دسترسی در: www.maslahat.ir.

۲. برای اطلاع از این سیاست ها به فصل ششم مراجعه نمایید.

ضمن تأکید بر درون‌زایی اقتصادی، دولت را به برون‌گرایی اقتصادی از طریق تعامل سازنده با جهان و همکاری و هم‌گرایی اقتصادی با کشورهای منطقه و بازارهای هدف ملزم می‌سازد. در این راستا، اسناد کلان جمهوری اسلامی ایران راهبرد «تعامل سازنده و مؤثر» را برای پیگیری اهداف توسعه ملی ایران در صحنه بین‌المللی تجویز کرده‌اند که متضمن در پیش گرفتن سیاست خارجی توسعه‌گرا و تعامل‌گرایی است. بدون تردید، برای تحقق چنین هدفی توجه به دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران اهمیت فراوانی دارد.

اجرای شدن اسناد کلان راهبردی در شرایطی بود که از مرداد سال ۱۳۹۲ دولت اعتدال‌گرای دکتر حسن روحانی سکان دولت یازدهم را برای اداره امور کشور در دست گرفت. دولت روحانی هدف اصلی خود را در عرصه اقتصاد داخلی «نجات اقتصاد کشور از بحران» و در عرصه روابط خارجی پیشبرد اصل «تعامل سازنده معطوف به تأمین منافع متقابل با اقتصاد جهانی از طریق غیرامنیتی کردن موقعیت ایران در نظام بین‌الملل، عادی‌سازی و بهبود روابط با کشورهای غیرمتخاصم و حذف تحریم‌های ظالمانه و در یک کلام، بهره‌گیری از این فرصت‌ها برای کمک به توسعه اقتصادی کشور عنوان کرد» (بشیری، ۱۳۹۳: ۶۹). بررسی برنامه‌های دولت روحانی نشان می‌دهد که اولویت اهداف اقتصادی در سیاست خارجی یا همان دیپلماسی اقتصادی از طریق تعامل سازنده و مؤثر با دنیا به عنوان محور اصلی سیاست خارجی آن تعیین شده است. بر این اساس، در برنامه پیشنهادی محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه به مجلس شورای اسلامی، از ضمن تأکید بر اتخاذ رویکرد (خط‌مشی) آرمان‌گرایی واقع‌بینانه - یا ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت - در گفت‌وگو با سیاست خارجی اعتدال‌گرا، بر «محور قرار دادن اقتصاد و توسعه ملی در روابط خارجی به عنوان یکی از اجزای مهم راهبرد کلان سیاست خارجی دولت» تأکید شد و در راستای اقتصادمحور کردن سیاست خارجی، راهبردهای عملیاتی متعددی پیشنهاد شد (ظریف، ۱۳۹۲: ۳۴-۳۶).

در چهارچوب اصل تعامل سازنده و مؤثر با جهان، دولت روحانی از جمله اهداف اصلی سیاست خارجی خود را بازگرداندن تعاملات اقتصادی ایران با جهان غرب در مسیر عادی و سازنده قرار داد. در این راستا، خنثی سازی اهرم های آمریکا و متحدان آن در مدیریت روابط اقتصادی کشورها و نهادهای چندجانبه با ایران از اهمیت زیادی برخوردار بود. به همین دلیل، ایران پس از سال ها رویارویی و گفت وگوهای غیرمستقیم با آمریکا بر سر برنامه هسته ای خود، در چهارچوب سیاست های راهبردی دولت روحانی برای شکستن اجماع بین المللی علیه ایران، مذاکره مستقیم با آمریکا را نیز در کنار گفت وگوهای جدی و هدفمند با ۵+۱ در دستور کار قرار داد. این گفت وگوها پس از حدود دو سال مذاکرات نفس گیر، به توافق وین بر سر برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^۱ در تیرماه سال ۱۳۹۴ انجامید. این توافق، ضمن حفظ دستاوردهای هسته ای مشتمل بر سه اصل: رسمیت شناختن حق غنی سازی ایران در خاک خود و رفع همه تحریم های مرتبط با برنامه هسته ای با ده اصل (دربای، ۱۳۹۴: ۴). با اجرایی شدن توافق از ۲۷ دی ماه ۱۳۹۴، فرایند لغو عملی تحریم ها آغاز شد. هرچند، درباره چگونگی پای بندی طرف های توافق به انجام تعهدات خود در برابر چالش های جدی وجود داشته است. علاوه بر این، روی کار آمدن دولت روحانی و اولویت بندی آن به دیپلماسی اقتصادی با ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی همراه شد؛ سیاست هایی که خطوط اصلی برنامه ششم توسعه را نیز تشکیل می دهد. بند ۱۲ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، وظایف و مسئولیت های وزارت امور خارجه را در جهت افزایش کمک به قدرت نامرتب و کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور از طریق اتخاذ سیاست های راهبردی و راهکارهای مشخصی در زمینه: تنوع بخشی و توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به ویژه همسایگان، استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از اهداف اقتصادی و استفاده از ظرفیت های سازمان های بین المللی و منطقه ای تعیین کرده است (سیاست های کلان اقتصاد مقاومتی، تیرماه ۱۳۹۳).

به‌طور کلی، هرچند در دولت‌های پس از جنگ تحمیلی نیاز به بهره‌گیری از سیاست خارجی برای توسعه روابط اقتصادی کشور کمابیش احساس شد و این موضوع با شدت و ضعف‌هایی از سوی دستگاه دیپلماسی دنبال شد؛ اما به‌نظر می‌رسد دولت روحانی توجه ویژه‌ای را به دیپلماسی اقتصادی معطوف داشته است. دولت مذکور به دنبال آن بوده است تا با توجه به نقش برجسته عنصر اقتصاد در روابط خارجی، زمینه رقابت اقتصاد کشور را در صحنه بین‌المللی فراهم آورد و با اتخاذ رویکرد اقتصادمحوری در سیاست خارجی به تحقق اهداف توسعه اقتصادی کشور کمک کند. هرچند، درخصوص دلایل و چگونگی اجرای این رویکرد و نتایج احتمالی آن اطلاعات کافی در دسترس نیست. از سوی دیگر، علی‌رغم اهمیت نقش دستگاه دیپلماسی ایران، به‌عنوان مهم‌ترین رکن اجرای سیاست خارجی، درباره میزان کارایی و اثربخشی آن در پیشبرد تعاملات اقتصادی خارجی کشور نیز اطلاعات چندانی وجود ندارد. درواقع، بررسی آثار موجود نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیت دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تاکنون هیچ اثر علمی و پژوهشی قابل‌توجهی در ارائه یگانا اقتصاد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قالب کتاب، مقاله یا پایان‌نامه انجام نشده و موارد معدودی از فعالیت‌های نوشتاری در این زمینه، بیشتر شامل اعلام مواضع رؤسای برنامه‌ها، گزارش‌های رسانه‌ای یا بررسی‌های توصیفی است؛ بنابراین، موضوع کتاب حاضر مطالعه منحصربه‌فردی در حوزه دیپلماسی اقتصادی است که مطالب و موضوعات آن به روش جدیدی را در مقایسه با ادبیات موجود مطرح می‌کند. با توجه به کمبود منابع تحلیلی قابل‌اعتنا درباره جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ازجمله در راست یازدهم و دوازدهم و انتظار از جامعه علمی کشور برای پاسخ‌گویی به برخی از سؤالات و ابهامات در این خصوص و پرکردن خلاءهای پژوهشی موجود، نیاز به انجام پژوهش حاضر احساس شد.

باتوجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ گویی به این سؤال اساسی است که مهم ترین علل و عوامل تأثیر گذار بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در دولت حسن روحانی کدام اند و اصولاً عملکرد و دستاوردهای این دولت و دولت های قبل از آن در زمینه دیپلماسی اقتصادی چه بوده است؟ سؤالات دیگری نیز نیازمند پاسخ گویی است؛ از جمله اینکه گفتمان اعتدالگرایی چه تأثیری بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ رفع تحریم های اقتصادی چه تأثیری بر تحقق اهداف دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم و دوازدهم داشته است؟ جهانی شدن اقتصاد، به عنوان یک تحول، بافتن دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی کشورها چه تأثیری بر دیپلماسی اقتصادی ایران داشته است؟ در نهایت تأثیر عوامل مادی و اجتماعی و نظام دیوان سالاری بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده است؟ فرض پژوهش این است که تأثیر مجموعه عوامل علل و عوامل محیط داخلی و خارجی به ویژه عوامل فردی و شخصیتی، الزامات ناشی از اسناد بالادستی و نوع برنامه ها و گفتمان های اتخاذ شده از سوی دولت ها در سطح داخلی همراه با تأثیر عوامل نظام بین الملل در حال گذار و منافع بازیگران مختلف آن باعث شده تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران خصوصاً از دولت یازدهم به بعد بیش از گذشته نیازمند توجه به مسائل اقتصادی و به کارگیری دیپلماسی اقتصادی کارآمدی باشد.

هدف این کتاب آن است تا با ارائه مدلی تحلیلی - توصیفی به تبیین نقش و جایگاه دیپلماسی اقتصادی و علل و عوامل تأثیر گذار بر آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در دولت روحانی پرداخته و ضمن بررسی نقاط ضعف و قوت و آسیب شناسی سازوکارها و ظرفیت های موجود یا ممکن برای این منظور و بررسی عملکرد دولت، به ویژه دستگاه دیپلماسی در زمینه تحقق اولویت های دیپلماسی اقتصادی کشور، پیشنهادها و راهکارهایی برای تقویت و افزایش نقش و کارایی سیاست خارجی در عرصه روابط اقتصادی و کمک به تحقق اهداف توسعه ملی ارائه شود. کتاب همچنین به دنبال

بررسی این موضوع است که با توجه به اهمیت یافتن نقش اقتصاد در عصر جهانی شدن، آیا دولت های جمهوری اسلامی ایران توانسته اند از دیپلماسی اقتصادی برای کمک به تحقق اهداف توسعه ملی استفاده کنند؟ در این صورت آیا ابزارها و امکانات لازم را برای پیگیری و تحقق این موضوع در اختیار داشته اند؟ علاوه بر این، یکی دیگر از اهداف پژوهش حاضر آن است که با توجه به کمبود محسوس آثار و پژوهش های فارسی مبتنی بر روش های علمی و تحلیلی درباره دیپلماسی اقتصادی در ایران و اندک بودن ترجمه این گونه منابع از سایر زبان ها، انجام این پژوهش بتواند به تولید و ترویج ادبیات فارسی مرتبط با موضوع کمک کند. در هر حال، امید می رود این پژوهش به سهم خود بتواند به برخی از نیازهای علمی در این زمینه پاسخ دهد و زمینه را برای انجام پژوهش های بیشتر هموار سازد.

روش این پژوهش تبیین توصیفی است و در آن تلاش شده است تا با بررسی و تحلیل داده های موجود به توضیح نحوه اهمیت و جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و نتایج حاصل از این رویکرد پرداخته شود. در این کتاب از روش اسنادی-کتابخانه ای و مراجعه به آثار و منابع ملی و بین المللی برای گردآوری و تحلیل داده ها استفاده شده است. با این حال، برای تحلیل داده ها، روش مشاهده مستقیم و نظرخواهی از طریق توزیع پرسش نامه بین اعضای گروه نمونه نیز به کار گرفته شده است. بدین منظور با تدوین و آماده سازی پرسش نامه ای حاوی سؤالات مشخص و هدفمند در مورد ابعاد مختلف دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و توزیع آن ها در میان اعضای گروه هدف (سفیران و رؤسای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور)، نظرات و دیدگاه های آنان دریافت و اطلاعات لازم برای کمک به تحلیل جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده است. نمونه ای از این پرسش نامه در پیوست کتاب ارائه شده است. از سوی دیگر، حضور پژوهشگر در متن فعالیت های روزانه دستگاه دیپلماسی و مشاهدات میدانی، به جمع آوری بخشی از اطلاعات مورد نیاز درباره فعالیت های این نهاد در عرصه دیپلماسی اقتصادی کمک کرده است.

کتاب پیش رو در یک مقدمه، سه بخش مشتمل بر هفت فصل و نتیجه‌گیری تنظیم شده است. بخش اول شامل فصل‌های اول و دوم است که به بررسی بنیان‌های نظری و مفاهیم اساسی دیپلماسی اقتصادی پرداخته و تحولات آن را در بستر نظریه اقتصاد سیاسی بین‌الملل نتولیرال توضیح می‌دهد. بخش دوم شامل فصل‌های سوم و چهارم، با توجه به الگوی پیوستگی‌های ملی و بین‌المللی جیمز روزنا، به بررسی عوامل تأثیرگذار بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در سطوح فردی، داخلی و بین‌المللی می‌پردازد. در این رابطه، فصل چهارم: تأثیر علل و عوامل فردی و داخلی و فصل پنجم: تأثیر علل و عوامل محیط خارجی بر دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کند. بخش سوم، طی سه فصل پنجم تا هفتم مسائل مربوط به دیپلماسی اقتصادی ایران را بررسی می‌کند. فصل پنجم به بررسی زمینه تحول دیپلماسی اقتصادی در جمهوری اسلامی از ابتدا تا دولت دهم می‌پردازد. فصل ششم دیپلماسی اقتصادی دولت روحانی را در پرتو توافق هسته‌ای بررسی می‌کند. فصل هفتم نیز ارزیابی چالش‌های پیش روی دیپلماسی اقتصادی ایران، فرصت‌های پیشبرد دیپلماسی اقتصادی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران را در چهارچوب مدلی پیشنهادی مبتنی بر راهکارهای عملی برای دیپلماسی اقتصادی ایران بررسی می‌کند. بخش پایانی پژوهش نیز ضمن جمع‌بندی بحث فصل‌های مختلف رساله، به ارزیابی کلی دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دولت روحانی و پاسخ به سؤال اصلی پژوهش می‌پردازد.